

بررسی جامعه‌شناختی تاثیر انتخاب‌های عقلانی بر رفتارهای

انحرافی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه ارومیه

اکبر علیوردی نیا^۱، قربانعلی ابراهیمی^۲، صالح صالح‌نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۴ تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۳۰

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی تجربی رابطه بین چهارچوب انتخاب‌های عقلانی با رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان دانشگاه ارومیه بوده است. روش تحقیق، پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسش‌نامه می‌باشد، که در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ در میان دانشجویان مشغول به تحصیل به اجرا در آمده است. در مجموع تعداد ۴۴۱ نفر افراد مورد مطالعه با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که از میان متغیرهای انتخاب عقلانی، بین متغیرهای فرصت، نیاز منفعت‌گرایانه و هیجانات با رفتارهای انحرافی رابطه مستقیم و معنی‌دار و بین متغیر باورهای اخلاقی پاسخ‌گویان با رفتارهای انحرافی رابطه‌ای معکوس و معتدادر مشاهده شده است. توجه به فرضیه‌های تایید شده، نشان می‌دهد که متغیر نیاز منفعت‌گرایانه، از بیش‌ترین قدرت تبیین‌کنندگی رفتارهای انحرافی برخوردار است.

واژگان کلیدی: انتخاب عقلانی، دانشجویان دانشگاه ارومیه، رفتارهای انحرافی

^۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران aliverdinia@umz.ac.ir

^۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران gorbanaiebrahimi@gmail.com

^۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران salehumz@gmail.com

مقدمه

رفتارهای انحرافی به مثابه یکی از آسیب‌های اجتماعی است، که بر خلاف هنجارها و فرم‌های اجتماعی از فرد سرزده و کارکرد وی را مختل کرده و به تبع آن کارکرد خانواده و جامعه را تحت شعاع قرار می‌دهد (ساروخانی، ۱۳۷۰). این‌گونه رفتارها، به تمامی اعمال و نگرش‌هایی گفته می‌شود که با انتظارات فرد، گروه‌ها و نهادها ناسازگار است (شفروز، ۱۳۸۳: ۲۲۴). و در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام جامعه قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۵). علاوه بر آن، این رفتارها، غیرعادی، آزارنده، غیراخلاقی، مضر و سزاوار سرزنش در نظر گرفته می‌شوند. این تعریف، گستره‌ی وسیعی از رفتارها و شرایطی از قبیل، مصرف مواد مخدر، دزدی، کودک‌آزاری، جرم مشارکتی، فحشاء، بیماری روانی و غیره را در بر می‌گیرد (ویتزر، ۲۰۰۲: ۲). به نظر می‌رسد در طول دو دهه‌ی گذشته پابندی جوانان به برخی از هنجارهای سنتی - دینی و رسمی حاکم در جامعه کاهش یافته است. سخنان برخی از مدیران و مسئولان کشور و ابراز نگرانی آنان از عدم رعایت برخی از موازین شرعی و عرفی را می‌توان مؤید این ادعا دانست (سراج‌زاده و بابایی، ۱۳۸۸: ۱۵۴). در میان جوانان، دانشجویان از حیث موقعیت و پرستیژ فکری و اجتماعی فعلی و آینده، با بقیه همگنان خود تفاوت دارند. پرستیژ بالای اجتماعی و فکری دانشجویان باعث می‌شود تا جامعه انتظار داشته باشد تا رفتارهای انحرافی در بین آنان چندان دیده نشود. با وجود این، مواردی از گسترش انحرافات اجتماعی در بین این گروه دیده می‌شود که نگرانی‌هایی را در پی داشته است (سراج‌زاده و فیضی، ۱۳۸۶: ۸۲).

با توجه به افزایش مطلق و ارتقای سهم نسبی دانشجویان در کل جمعیت، ویژگی‌های آن نیز به شدت دگرگون یافته و زمینه‌های افزایش رفتارهای انحرافی را فراهم ساخته است. شیوع روزافزون رفتارهای انحرافی برابر است با هدر رفتن پتانسیل‌های خلاق و سازنده‌ی جامعه و عوارض بسیار ناخوشایندی به همراه دارد که جبران آن هزینه‌های فراوانی را می‌طلبد. همه کسانی که به نحوی از انحاء با دانشجویان سر و کار دارند، لزوم آشنایی با مسائل و مشکلاتی که در واقع شالوده بحران‌های رفتاری به‌ویژه رفتار اجتماعی آنان است، برایشان امری ضروری است و هر گونه عدم آشنایی با این مسائل ممکن است سبب تشدید واکنش‌های زمینه‌ساز در بروز رفتارهای غیرعادی خطرناکی شود که می‌تواند دامنگیر جامعه هم شود. این در حالی است که علاوه بر تاکید نظریه‌های مربوط به دانشگاه مبنی بر پرورش نیروهای به‌هنجار، انتظارات و توقعات عامه مردم و مسئولان نظام سیاسی از رفتارهای دانشجویان به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی گسترشی دو چندان یافته است. بر اساس ویژگی انقلاب اسلامی، تربیت دینی یا پرورش مذهبی از اهداف عمده نظام اجتماعی تعریف شد و با کنترل و هدایت موسسات رسمی جامعه‌پذیری کشور، از جمله دانشگاه‌ها، به دست نخبگان مذهبی جهت‌گیری عملی

نظام فرهنگی کشور به‌منظور تقویت و گسترش ارزش‌ها در میان نسل جدید - به‌ویژه- دانشجویان - شکل گرفت. انقلاب فرهنگی و تبلیغ مداوم آرمان‌ها برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها در طی دهه‌های اخیر موجب شده است که سطح توقع مردم از محصولات جامعه اسلامی بسیار بالا رود و از حیث دینی هم‌نوایی زیادی از دانشجویان طلب شود و آستانه تحمل این جامعه در پذیرش انحرافات اجتماعی بسیار پایین بیاید. با این وجود، اکثر پژوهش‌های صورت گرفته (افراسیابی‌فر و همکاران، ۱۳۷۷؛ رضوانیان، ۱۳۷۸؛ مسجدی و آذری‌پور، ۱۳۸۱؛ سرگلزایی و همکاران، ۱۳۸۲؛ شمس‌علیزاده و همکاران، ۱۳۸۷؛ سراج‌زاده و بابایی، ۱۳۸۸) در این زمینه، مبین این مطلب‌اند که رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان مساله‌ای است که دغدغه‌های بسیاری را موجب شده و نیازمند بررسی و پژوهش‌های علمی از منظر تئوری‌های مختلف می‌باشد.

از آنجا که معمولاً جلوه هر امری که به نوعی نابهنجاری تلقی شود به مراتب بیش از امور مطلوب و بهنجار است، به‌نظر می‌رسد که وضعیت کنونی دانشگاه‌های ما دچار نابسامانی فرهنگی گسترده‌ای است (سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۲؛ سراج‌زاده و بابایی، ۱۳۸۸). در چنین زمینه‌ای مطالعه، سنجش و تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان دختر و پسر مساله‌ای مهم و درخور مطالعه خواهد بود. این تحقیق به دنبال بررسی رابطه بین متغیرهای مبتنی بر انتخاب‌های عقلانی با میزان رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان دانشگاه ارومیه می‌باشد. از آنجا که بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد در داخل کشور پژوهشی در زمینه آزمون تجربی نظریه‌ی انتخاب عقلانی انجام نشده است، لذا انجام این تحقیق نه تنها ممکن است موجب ارزش‌یابی یا تایید اعتبار تجربی این نظریه شود، بلکه می‌تواند به نحو بهتری ما را در شناخت علل و عوامل موثر بر بروز رفتارهای انحرافی و ارایه‌ی راهکارهای موثر بر آن یاری رساند. همچنین، با توجه به تفاوت ساختارهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی ایران با سایر کشورهای غربی، با انجام این تحقیق می‌توان تأثیر این تفاوت‌ها را در تایید یا رد گزاره‌های این تئوری مشخص کرد.

پیشینه تجربی تحقیق

در مطالعه‌ای که پاترنوستر (۱۹۸۹) بر روی نمونه‌ای متشکل از ۲۷۰۰ نفر از دانش‌آموزان نه دبیرستان عمومی شهر ساتیزترن انجام داده، بدین نتیجه رسید که اثر متغیرهای بازدارندگی (قطعیت ادراک شده و شدت ادراک شده) در قالب مدل انتخاب عقلانی، مبهم و غیر شفاف بوده است. اگر چه ادراکات قطعیت مجازات، اثر معناداری بر تصمیم‌گیری بعضی از تبهکاران، جهت دست برداشتن از جرم داشته است، این اثر جزئی و نسبت به اثرات هزینه‌های اجتماعی و سایر ملاحظات، خیلی

ضعیف بوده است. افزون بر آن، یافته‌ها حاکی از آن بوده‌اند که قطعیت مجازات (نه شدت مجازات)، بر بعضی از تصمیم‌های مبنی بر شرکت در رفتارهای مجرمانه تأثیرگذار می‌باشند. در پژوهش دیگری، با عنوان "ریشه‌های بزهکاری: آزمون انگیزه‌ی مجرم" اگنیو (۱۹۹۰) سعی در تبیین مشارکت بزهکاران در ۱۴ نوع جرم متفاوت، با استفاده از سه نظریه: ۱- انتخاب عقلانی؛ ۲- نسخه جدید نظریه فشار؛ ۳- خرده فرهنگ انحرافی، داشته است. داده‌های این مطالعه از پیمایش ملی جوانان، موسوم به ان. اس. وای^۱، در سال ۱۹۷۲ میلادی و از ۱۳۹۵ نفر پاسخ‌گو گردآوری شده است. محقق در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که: بزهکاران، جرایم مالی را به‌خاطر ارضای نفس/ لذت‌جویی و نیازهای منفعت‌گرایانه؛ جرایم خشونت‌بار را برای انتقام‌گیری/ تلافی‌گری؛ مصرف مواد، را به دلیل فشار اجتماعی و ارضای نفس/ لذت‌جویی انجام داده‌اند.

بکمن و همکارانش (۱۹۹۲) با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۹۴ دانشجوی مرد مقطع کارشناسی علوم اجتماعی دانشگاه دولتی نیو انگلند و بهره‌گیری از ترکیب سناریوهای فرضی و سوالات پرسشنامه‌ای، سعی در بررسی، اثر محیط جرم، مجازات رسمی، مجازات غیررسمی و باورهای اخلاقی بر تصمیم‌گیری افراد برای انجام آزارهای جنسی داشته‌اند. یافته‌های آنان نشانگر این است که تصمیم‌گیری برای ارتکاب آزار جنسی به وسیله دو پیشنهاد: ۱- احتمال اینکه مردان بطور رسمی مجازات شوند (تعلیق از دانشگاه و بازداشت شدن) و ۲- باورهای اخلاقی پاسخ‌گویان، تحت تأثیر بوده است. اگرچه اثر معنادار بازدارندگی به‌وسیله ترس از مجازات رسمی، ثابت و یکسان نبود. ترس از مجازات رسمی، زمانی که پاسخ‌گویان به‌وسیله ارزیابی اخلاقی‌شان از واقعه نهی شده‌اند، هیچ اثری بر تصمیم‌گیری برای آزار جنسی نداشته است.

بیکر و پی‌کیورو (۲۰۱۰) مقاله‌ای را با عنوان "شناخت منافع ادراک شده مرتبط با ارتکاب جرم"، در قالب تئوری انتخاب عقلانی، انجام داده‌اند. داده‌های این تحقیق بر اساس ۴۰ نوع پیش‌بینی در رابطه با ارتباط میان منافع و شرکت در جرم، از ۱۳ مطالعه‌ی انجام گرفته از سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ میلادی به دست آمده است. یافته‌های این مطالعه، رابطه‌ی مثبت و معناداری را بین منافع و شرکت در جرم نشان داده است، اما این رابطه کلی در اشکال گوناگون از لحاظ شدت درجه متنوع و متغیر بوده است. در بخش تحقیقات داخلی با توجه به بررسی‌های انجام شده، تحقیقی که به آزمون تجربی نظریه انتخاب عقلانی پرداخته باشد، یافت نشد و پژوهش‌های انجام شده نیز (۱) شامل انواع رفتارهای انحرافی نبوده و نوعاً به نگرش دانشجویان نسبت به برخی از انحرافات (عمدتاً اعتیاد به سیگار) پرداخته شده است. (۲) به دلیل مدیکالیزه شدن مسائل اجتماعی، بسیاری از تحقیقات انجام شده در زمینه آسیب‌های اجتماعی از منظر پزشکی بوده است و خلاء جدی در این حوزه پژوهشی وجود دارد.

¹ NSY

از این‌رو می‌توان گفت که فقدان چهارچوب نظری و ضعف‌های روش‌شناختی از مصادیق بارز بسیاری این پژوهش‌ها می‌باشد. نکته‌ی جالبی که در تحقیقات خارجی انجام شده در زمینه آزمون تجربی نظریه انتخاب عقلانی به چشم می‌خورد، این است که بیش‌تر این تحقیقات در جمع‌آوری داده‌های تحقیق از پرسشنامه‌هایی که حاوی دیالوگ‌های متنی بوده‌اند، استفاده کرده‌اند. هم‌چنین این نوع شیوه گردآوری داده، بیشتر گرایش به رفتارهای انحرافی را در بین پاسخ‌گویان سنجیده‌اند. به‌عبارتی دیگر، این نوع ابزار یک متن فرضی را در قالب پرسشنامه در اختیار پاسخ‌گو قرار داده و سعی بر این دارد که این افراد در این موقعیت‌ها چه رفتارهایی را با تناسب به میزان هزینه - فایده کردن بروز آن عمل، انجام می‌دهند، لذا کمتر به تبیین رفتارهای واقعی افراد مورد مطالعه‌شان پرداخته‌اند. دیگر نکته قابل توجه در پژوهش‌های صورت گرفته در خارج از کشور، این‌که بیش‌تر داده‌های مورد استفاده برای این تحقیقات، از مراکز گردآوری داده‌های اجتماعی - که با هدف مطالعه جوانب گونه‌گون اجتماعی صورت می‌پذیرد - تامین شده است. مزیت این نوع گردآوری داده این است که اولاً، نیازی به صرف وقت پژوهشگر برای جمع‌آوری داده نمی‌باشد. ثانیاً، از آنجایی که داده‌های این مراکز از نمونه آماری بزرگ به‌دست آمده، این امکان برای محققان فراهم می‌شود که نتایج تحقیق‌شان را با اعتماد بیشتری به جمعیت آماری مورد تحقیق‌شان، تعمیم دهند.

چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر نظریه انتخاب عقلانی و جوانبی از نظریه بازدارندگی است.

تئوری انتخاب عقلانی^۱

ریشه‌های فکری نظریه انتخاب عقلانی را بایستی در مکتب کلاسیک جرم‌شناختی جست‌وجو کرد. مطابق با نظریه‌های مکتب کلاسیک، ماهیت نوع بشر توسط دو حوزه مستقل، رنج‌ها و لذایذ کنترل می‌شود (بتنام، ۱۷۸۹). بدین جهت است که همه رفتارهای انسانی به دو گزاره ساده تقلیل می‌یابد: تعقیب لذایذ و پرهیز از درد و رنج‌ها (دنگ، ۱۹۹۴: ۷). از این‌رو تعقیب رفتارهای انحرافی نیز نوعی کسب لذت محسوب می‌شود که متعاقب افزایش منافع حاصل از جرم رخ می‌دهد. این تئوری در سال ۱۹۸۵ توسط درک کورنیش و رونالد کلارک، با سر و کله زدن با تمامی وقایع مجرمانه، که شامل مجرمان، انگیزه‌ها و عوامل موقعیتی‌شان می‌شود، بنیان‌گذاری شده است.

¹ Rational Choice Theory

گزاره اصلی در نظریه انتخاب عقلانی این است که مجرمان عاقل و انتخاب‌گر هستند (ری‌گولی و هویت، ۲۰۰۰: ۷۰). به عبارت دیگر، این تئوری از یک اصل اساسی واحد - محاسبه هزینه و فایده - و تعداد زیادی از احتمالاتی که ممکن است نقشی در جریان تصمیم‌گیری فرد داشته باشند، تشکیل شده است (تایتل، ۲۰۰۰: ۶۵). علاوه بر آن، مطابق با رویکرد انتخاب عقلانی، مجرمان با توجه اینکه ارزیابی‌شان از انگیزه‌ها، متفاوت است، در تبعیت از قانون با هم‌دیگر فرق دارند (مهلکوپ و گراف، ۲۰۱۰: ۱۹۳). بدین‌سان، احتمال دارد که منافع و هزینه‌هایی که با هم‌دیگر یکسان و برابر هستند، به وسیله کنشگران مختلف، به‌طور متفاوت ارزیابی شوند (کورنیش و کلارک، ۱۹۸۷: ۹۳۵).

تئوری انتخاب عقلانی، با الهام از عقلانیت ابزاری ماکس وبر و در چهارچوب فردگرایی روش‌شناختی، کار فاعلانی را عاقلانه می‌داند که در چهارچوب اعتقاداتشان، نسبت به شقوق ممکنه با توجه به عواقبشان، شقی را برگزینند که برای رسیدن به غایاتشان بهترین راه باشد (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۳۳). از این‌رو، رفتار انحرافی فاعلان عاقل می‌تواند به واسطه مدنظر قراردادن هزینه‌هایی نظیر مجازات منفی و منافع همانند سودهای ناشی از رفتار غیرقانونی، مدلبندی شود. متعاقباً، تجزیه و تحلیل انتخاب عقلانی از جرم، فرض بر این می‌گیرد که جرم تعقیب رفتارهای هدف محور^۱ مجرم برای کسب نیازهای اساسی‌ای همانند "پول، کسب منزلت، رابطه جنسی و هیجانات" می‌باشد (کلارک و فلسن، ۱۹۹۳: ۶). با این وجود، کنشگران درباره این عوامل، کاملاً آگاه نیستند. و به‌جای آن، خطرات و منافع جرم‌شان را بر اساس عقلانیت محدود^۲ محاسبه می‌کنند (کارول و وی‌ور، ۱۹۸۶).

مطابق با رویکرد انتخاب عقلانی، هزینه‌ها و منافع جرم، صفات و ویژگی‌های فردی را بر نمی‌تابد، بلکه هم‌چنان‌که کورنیش و کلارک (۱۹۸۷: ۹۳۵) اذعان داشته‌اند، ویژگی‌های ساختاری انتخاب^۳ هستند که این پدیده را تبیین می‌کند. بنابراین، نظریه انتخاب عقلانی بیش‌تر از تمرکز بر روی خود مجرمان، بر انگیزه جرم مجرمان و تمرکز بر فرایندهای انتخاب برای ارتکاب جرم پافشاری می‌کند. این فرایند به مثابه - ساختار/انتخاب - شناخته شده که به عنوان پیوستگی فرصت‌ها، هزینه‌ها و منافع دسترسی به انواع خاصی از جرم، تعریف شده است (همان، ۹۳۳).

نظریه‌پردازان انتخاب عقلانی، به جرم به مثابه دو ویژگی - جرم محور^۴ و مجرم محور^۵ - نگاه می‌کنند. به عبارت دیگر، تصمیم‌گیری برای ارتکاب جرم، متأثر از هر دوی ویژگی‌های، جرم و مجرمان و محصول تعامل این دو می‌باشد (سیگل، ۱۹۹۸؛ کورنیش و کلارک، ۱۹۸۷). از این‌رو، رفتار قانون-

^۱ Goal-Oriented

^۲ Bounded Rationality

^۳ Choice - Structuring Properties

^۴ Offence - Specific Crime

^۵ Offender - Specific Crime

گريزانه به مثابه واقعه‌ای است که زمانی که یک مجرم، بعد از مدنظر قرار دادن موقعیت شخصی‌اش (نیاز به پول، کسب تجارب، فرصت‌هایی برای موفقیت‌های وجهه‌دار)، ارزش‌ها (وجدان، معیارهای اخلاقی، نیاز به کسب احترام همالان) و عوامل موقعیتی (هدف مورد نظر چقدر تحت حفاظت است، مردم چه زمانی در خانه‌هایشان هستند، همسایگی چقدر مهم و دارای ارزش است، احتمال دستگیر شدن و مجازات دستگیر شدن)، دست به تخلف می‌زند، نگریسته می‌شود (سیگل و سنّا، ۱۹۹۷: ۹۱-۹۰). بنابراین، وقوع جرم مستلزم وجود مجرم‌انگیزه‌دار در قالب موقعیت‌هایی است که از آن به-عنوان فرصتی برای انجام چیزهایی که آنها می‌خواهند، می‌باشد. هر حادثه‌ای نتیجه مجموعه‌ای از تصمیم‌های ساختاری انتخاب برای وقوع، ادامه دادن و دست کشیدن حادثه‌ای است و حتی نوع خاصی از جرم، نتیجه مجموعه‌ای از تصمیم‌های متفاوتی است که فقط می‌تواند در مفاهیم مخصوص به خودش تبیین شود: تصمیم برای انجام تجاوز جنسی کاملاً متفاوت از تصمیم برای دزدی کردن صورت می‌گیرد (والش و همنس، ۲۰۰۸: ۸۱).

بنابراین، کورنیش و کلارک اظهار کرده‌اند که برای فهم و پیش‌گیری از جرایم، بایستی ویژگی‌های ساختاری انتخاب انواع جرایم را شناسایی کرد (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۸۳: ۲۴۷). ویژگی‌های ساختاربندي انتخاب، نه تنها اطلاعاتی راجع به "جرم" را فراهم می‌آورد، بلکه در مورد "مجرم" (نیازهایش، اولویت‌هایش، ویژگی‌های شخصیتی و ادراکاتش) نیز اطلاعاتی را در اختیارمان قرار می‌دهد (لین‌روبی، ۲۰۰۸: ۶).

تئوری بازدارندگی^۱

نظریه بازدارندگی بر پایه ایده متدوال و ساده‌ای که اذعان می‌دارد که تهدید به مجازات قانونی، جرم را کاهش می‌دهد، بنیان گذاشته شده است (ماتئوس و اگنیو، ۲۰۰۸: ۹۱). متعاقب کارهای نویسندگان مکتب کلاسیک همانند بکاریا و بتنام، تئوری بازدارندگی انسان‌ها را عاقل، لذت طلب و پرهیز کننده از درد و رنج در نظر می‌گیرد. این فرضیه به‌سوی تئوری نسبتاً ساده جرم، که اذعان می‌دارد: افراد زمانی که منافع زیاد و هزینه‌های کمی را از رفتار مجرمانه کسب کنند، در این‌گونه رفتارها مشارکت می‌کنند، منتهی می‌شود (ویتو و همکاران، ۲۰۰۷: ۵۶).

تئوری بازدارندگی بیان می‌دارد که مجازات زمانی خیلی موثر واقع می‌شود که سریع، قاطع و شدید باشد، طوری که از پاداش‌های بالقوه رفتار مجرمانه فزونی یابد (همان). در این راستا، مجازات رسمی دو کار ویژه را در کاهش جرم به عهده خواهد داشت. یک هدف آن، فرستادن پیامی برای کل جامعه است. مجازات یک مجرم با انتقال این مفهوم که اگر شما هم مرتکب تخلف از قانون شوید، شما نیز

¹ Deterrence Theory

مجازات می‌شوید، دیگران را نیز می‌ترساند. به عبارت دیگر، مجازات مجرمان به اطلاع جامعه می‌رساند که مقدار اساسی‌ای از درد و رنج، متعاقب رفتار مجرمانه اعمال می‌شود. ایده‌ای که مجازات مجرمان بقیه را خواهد ترساند، بازدارندگی عمومی^۱ نامیده می‌شود (سیگل، ۱۹۹۸؛ ویتو و همکاران، ۲۰۰۷؛ والش و همنس، ۲۰۰۸). قدر مسلم، مجازات مجرمان هم‌چنین ممکن است اثری بر خود مجرمان داشته باشد؛ که مجرمانی که درد و رنج مجازات را احساس کرده‌اند، بایستی گرایش کم‌تری به ارتکاب مجدد این رفتارها در آینده داشته باشند. این نیز اصل بازدارندگی خصوصی^۲ نام دارد (سیگل، ۱۹۹۸؛ ویتو و همکاران، ۲۰۰۷: ۵۶).

فرضیه اصلی تحقیق

برای بررسی ارتباط بین انتخاب‌های عقلانی و رفتارهای انحرافی که برگرفته از پیشینه نظری و تجربی بوده است، فرضیه اصلی تحقیق به این شرح تدوین شد که بین «انتخاب‌های عقلانی و ابعاد آن (پیوستگی، خود-کنترلی، مجازات رسمی، مجازات غیر رسمی، نیاز منفعت‌گرایانه، هیجانات/کنجکاوی، سرمایه‌گذاری، فرصت و باورهای اخلاقی) با رفتارهای انحرافی و ابعاد آن رابطه وجود دارد».

روش

۱-۵. اعتبار و روایی پرسش‌نامه

برای بررسی اعتبار پرسش‌نامه، از روش اعتبار محتوا^۳ برای تمامی متغیرهای تحقیق و اعتبار سازه برای متغیر وابسته شده است. در اعتبار سازه مفهوم و مقیاس یا سازه‌ی تحقیق می‌باید با روابط مورد نظر در تئوری‌ها یا تحقیقات انجام گرفته قبلی هماهنگی داشته باشد. اگر مفهوم، مقیاس یا سازه تحقیق روابط یا جهت‌های پیش‌بینی شده در تحقیقات انجام گرفته قبلی را نشان دهد بر اساس اعتبار سازه، آن مفهوم و مقیاس مورد نظر از اعتبار برخوردار است (دواس، ۱۳۷۶: ۶۴). بر اساس آزمون تفاوت میانگین دو گروه، نشان داده شده که میانگین رفتارهای انحرافی پسران در سطح معناداری ۰/۰۰۰، بیشتر از میانگین رفتارهای انحرافی دختران می‌باشد. این یافته منطبق با تحقیقات پیشین است (دنگ، ۱۹۹۴)، که نشان داده شده است پسران بیشتر از دختران در رفتارهای انحرافی مشارکت می‌کنند، است. بدین ترتیب، مقیاس متغیر وابسته این تحقیق از اعتبار سازه برخوردار می‌شود. هم‌چنین، برای سنجش روایی^۴ ابزار

^۱ General Deterrence

^۲ Specific Deterrence

^۳ Content Validity

^۴ Reliability

تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج سنجش روایی مقیاس‌های پژوهش در جدول (۱) آمده است.

جدول شماره ۱. ضریب آلفای کرونباخ نهایی مقیاس‌ها

ردیف	مقیاس	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
۱	پیوستگی	۱۱	۰/۸۱
۲	خود-کنترلی	۲۴	۰/۷۷
۳	مجازات رسمی	۵	۰/۷۴
۴	باورهای اخلاقی	۵	۰/۶۲
۵	نیاز منفعت‌گرایانه	۶	۰/۷۸
۶	کنجکاوی/هیجانانات	۴	۰/۸۰
۷	فرصت‌ها	۱۳	۰/۷۲
۸	مجازات غیر رسمی	۱۲	۰/۸۵
۹	سرمایه‌گذاری	۶	۰/۶۵
۱۰	رفتارهای انحرافی	۱۳	۰/۸۰
۱۱	کل پرسش‌نامه	۹۹	۰/۷۵

۲-۵. تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

۱-۲-۵. رفتارهای انحرافی

این‌گونه رفتارها، به تمامی اعمال و نگرش‌هایی گفته می‌شود که با انتظارات فرد، گروه‌ها و نهادها ناسازگار است (شفرز، ۱۳۸۳: ۲۲۴). و در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام جامعه قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌شود (عبدالهی، ۱۳۸۱: ۱۵). در تحقیق حاضر به منظور سنجش عملی متغیر رفتارهای انحرافی، ابعاد پنج‌گانه‌ای به شرح ذیل در نظر گرفته شده است: تقلب، دزدی، مصرف مواد (مخدر)، مصرف مشروبات الکلی و کجروی‌های جنسی. در مجموع از سیزده گویه برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم رفتارهای انحرافی استفاده شده است، که شش گویه مربوط به بعد تقلب (پسو و همکاران، ۲۰۰۶؛ یاردلی و همکاران، ۲۰۰۹؛ راواس و همکاران، ۲۰۰۴؛ کولنرود و همکاران، ۲۰۰۹؛ کلین و همکاران، ۲۰۰۷؛ دیوی و همکاران، ۲۰۰۷؛ مگ-هی و اسپیک، ۲۰۰۸؛ نویس و اونس اسویت، ۱۹۹۸)؛ دو گویه مربوط به بعد دزدی (واسونی و همکاران، ۲۰۰۱؛ واسونی و بلیستون، ۲۰۰۷)؛ دو گویه مربوط به مصرف مواد (مخدر) (ویکستروم و بوتر اورث، ۲۰۰۶؛ بوث و همکاران، ۲۰۰۸؛ واسونی و همکاران، ۲۰۰۱؛ واسونی و بلیستون، ۲۰۰۷)؛

یک گویه مربوط به مصرف مشروبات الکلی و دو گویه نیز مربوط به کجروی‌های جنسی (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۸) می‌باشد.

۵-۲-۲. کنجکاوی / هیجانات^۱

این مفهوم، انجام رفتار بر اساس حوادث تحریک کننده را می‌رساند (والش و همنس، ۲۰۰۸: ۲۴۹). در مجموع برای سنجش و اندازه‌گیری این مفهوم بر مبنای تحقیق اگنیو (۱۹۹۰)، از چهار گویه، نظیر «مواد مخدر یا مشروبات الکلی را به‌خاطر تفریح و سرگرمی‌ام مصرف می‌کنم»، «دوستی با جنس مخالف یا رابطه‌ی جنسی (بدون ازدواج) را به‌خاطر هیجانش و جالب بودنش، انجام می‌دهم»، استفاده شده است.

۵-۲-۳. مجازات رسمی^۲

فرایندی است که دارای ضمانت اجرایی قانونی می‌باشد و منتهی به تضعیف یا حذف رفتارهای مورد نظر می‌شود (والش و همنس، ۲۰۰۸: ۱۶۳). برای این مفهوم، بر مبنای تحقیقات (پاترنوستر، ۱۹۸۹؛ ویتو و همکاران، ۲۰۰۷؛ لی‌ژانگ و ساراتی، ۲۰۱۰؛ تیتس و میر، ۱۹۹۹)، دو بعد قطعیت ادراک شده و شدت ادراک شده در نظر گرفته شد و در مجموع، از پنج گویه برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم مجازات رسمی استفاده شد. به‌عنوان مثال، برای سنجش بعد قطعیت ادراک شده از گویه‌هایی همانند «اگر مواد مخدر یا مشروبات الکلی مصرف کنم، توسط حراست دانشگاه جلب یا تعلیق می‌شوم»، بهره گرفته شده است.

۵-۲-۴. نیاز منفعت‌گرایانه^۳

احساس فقدان یا حرمانی است که در ارتباط کم و بیش با نیازها و امیال یک موجود زنده (و مخصوصاً انسان دارای آگاهی) به جهت آن‌که در جریان تحقق اهدافش، خود را فاقد آن می‌بیند، می‌باشد. این احساس موجب تمایل به هر آنچه می‌شود که امکان ارضای نیاز را فراهم می‌سازد (بیرو، ۱۳۷۰). برای این مفهوم، دو بعد منفعت عینی و منفعت ذهنی در نظر گرفته شد و در مجموع، از شش گویه برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم نیاز منفعت‌گرایانه استفاده شد. به‌عنوان مثال، برای سنجش بعد منفعت عینی از گویه‌هایی نظیر «وقتی وسایل دیگران را بدون اجازه آنها برداشته‌ام، واقعا به آن نیاز

^۱ Curiosity/ Thrills

^۲ Formal Sanction

^۳ Utilitarian Need

مالی داشتیم» (ویتو و همکاران، ۲۰۰۷؛ کلارک و کورنیش، ۱۹۸۵؛ سیگل و سنا، ۱۹۹۷؛ سیگل، ۱۹۹۸؛ دیوی و همکاران، ۲۰۰۷؛ اگنیو، ۱۹۹۰؛ نی‌گین و پاترنوستر، ۱۹۹۳)، استفاده شده است.

۵-۲-۵. مجازات غیررسمی^۱

فرایندی است که فاقد ضمانت اجرایی قانونی می‌باشد و منتهی به تضعیف یا حذف رفتارهای مورد نظر می‌شود (والش و همسن، ۲۰۰۸: ۱۶۳). هم‌چنین، برای این مفهوم بر مبنای پژوهش‌های (پاترنوستر، ۱۹۸۹؛ نی‌گین و پاترنوستر، ۱۹۹۳؛ تیتس، ۱۹۹۷؛ پی‌کیورو و همکاران، ۲۰۰۵؛ ویتو و همکاران، ۲۰۰۷؛ لی‌ژانگ و ساراتی، ۲۰۱۰)، دو بعد قطعیت ادراک شده و شدت ادراک شده در نظر گرفته شد و در مجموع، از ۱۲ گویه برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم مجازات غیررسمی استفاده شد. به‌عنوان مثال، برای سنجش بعد شدت ادراک شده گویه‌هایی نظیر «اگر روزی به‌خاطر انجام رفتارهایی مانند (مصرف مواد، مصرف مشروبات الکلی، رابطه با جنس مخالف و...)، خانواده‌ام مرا از خانواده طرد کنند، در زندگی خیلی دچار مشکل می‌شوم» مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۵-۲-۶. سرمایه‌گذاری^۲

سرمایه‌گذاری میزانی از صرف زمان و انرژی است که فرد پیشتر در جامعه عادی انجام داده است (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۸۳: ۲۱۰). برای این مفهوم نیز، بر مبنای تحقیقات (هیرشی، ۱۹۶۹؛ کورنیش و کلارک، ۱۹۸۶؛ لاتی‌مور و وایت، ۱۹۸۶؛ پاترنوستر، ۱۹۸۹)، دو بعد واقعی و ادراکی در نظر گرفته شد و در مجموع، از شش گویه برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم سرمایه‌گذاری استفاده شد. به‌عنوان مثال، برای سنجش بعد سرمایه‌گذاری واقعی گویه‌هایی همانند «از نمرات درسی‌ام خیلی راضی هستم» مورد استفاده قرار گرفتند.

۵-۲-۷. فرصت‌ها^۳

این مفهوم، به معنای دسترسی یا تسهیلات ابزاری انجام رفتار است (هایگینز و رایکتس، ۲۰۰۴: ۸۲). به‌عبارتی، فرصت‌های رفتار مجرمانه، مجموعه‌ای از پیشامدهایی است که برای وقوع جرم مساعد و مطلوب است (گات‌فردسن و هیرشی، ۲۰۰۳). این متغیر بر مبنای تحقیقات (وسونی و همکاران، ۲۰۰۱؛ ویکستورم و بوتر اورث، ۲۰۰۶؛ هاردینگ و همکاران، ۲۰۰۷)، به چهار بعد رسمی، غیررسمی،

^۱ Informal Sanction

^۲ Material Considerations

^۳ Opportunities

واقعی و ادراکی بخش شده، که برای سنجش ابعاد چهارگانه، ۱۳ گویه مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال برای سنجش بعد فرصت‌های رسمی از گویه‌هایی نظیر «حراست دانشگاه برای جلوگیری از هرگونه فعالیت‌های غیرقانونی (نظیر: مصرف مواد مخدر و الکل، دزدی، رابطه جنسی (بدون ازدواج) با جنس مخالف و غیره) دانشجویان، نظارت شدیدی دارد»؛ یا برای بعد واقعی از گویه‌هایی مانند «هر وقت بخواهم، می‌توانم مواد مخدر یا مشروبات الکلی تهیه کنم»، استفاده شده است.

۵-۲-۸. پیوستگی^۱

پیوستگی یا علاقه، میزان پیوندی است که فرد با دیگر افراد مهم برقرار کرده است (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۰۸). برای این مفهوم، بر مبنای تحقیقات (طالبان، ۱۳۸۰؛ علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۸؛ علی‌وردی‌نیا و پرایدمور، ۲۰۰۷) دو بعد پیوستگی به خانواده و پیوستگی به مذهب در نظر گرفته شد و در مجموع، از یازده گویه برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم پیوستگی استفاده شد. برای مثال، برای سنجش بعد پیوستگی به خانواده از گویه‌هایی نظیر «هنگامی که مشکلی دارم، می‌توانم درباره آن با خانواده‌ام صحبت کنم»، استفاده شده است.

۵-۲-۹. خود - کتتری^۲

این مفهوم، به معنای توان افراد در محدود ساختن خویش است (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۰۹). برای این مفهوم، مقیاس ۲۴ گویه‌ای که توسط گراسمیک و همکارانش (۱۹۹۳)، برای سنجش و اندازه‌گیری مفهوم خود-کتتری استفاده شده، مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس شامل گویه‌هایی مانند «من اغلب ناگهانی و بدون مقدمه عمل می‌کنم، بدون اینکه از قبل به نتیجه کارم فکر کرده باشم»، «من اغلب سعی می‌کنم که دنبال کارهای سخت نرم»، (گراسمیک و همکاران، ۱۹۹۳؛ علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۸)، بوده است.

۵-۲-۱۰. باورهای اخلاقی^۳

باور، اعتقاد فرد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین است. هر چه اعتقاد در فرد قوی‌تر باشد، کمتر احتمال دارد که به عمل بزهکارانه روی آورد و هر چه این اعتقاد در فرد ضعیف‌تر باشد، احتمال هنجار شکنی از سوی او بیشتر است. فردی که خود را تحت تاثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند،

¹ Attachment

² Self - Control

³ Moral Beliefs

هیچ وظیفه اخلاقی برای هم‌نوا بودن و رعایت قوانین در نظر نمی‌گیرد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۱۹). در مجموع بر مبنای تحقیقات (علی‌وردی‌نیا و پرایدمور، ۲۰۰۷؛ علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۸)، برای سنجش و اندازه‌گیری این مفهوم، مقیاس پنج گویه‌ای، که شامل گویه‌هایی نظیر «باید سعی کنیم از قانون اطاعت کنیم»، «اگر کسی کیف پولی را پیدا کند، می‌تواند آن را برای خودش بردارد»، بوده، مورد استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

۶-۱. توصیف داده‌ها

۶-۱-۱. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان مصرف مواد مخدر

در این تحقیق برای سنجش بعد مصرف مواد مخدر، پاسخ‌گویان در برابر پرسش «در طول سال گذشته، پیش آمده که مواد مخدر مصرف کرده باشم» قرار گرفته‌اند. در جدول زیر، توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان مصرف مواد مخدر ارائه شده است.

جدول شماره ۲. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان مصرف مواد (مخدر)

جنس		پسر		دختر		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
میزان مصرف مواد (مخدر)							
۱۰ بار و بیشتر		۵	۲/۴	۲	۰/۹	۷	۱/۶
۶-۹ بار		۱	۰/۵	۰	۰	۱	۰/۲
۳-۵ بار		۲	۱/۰	۲	۰/۹	۴	۰/۹
یکی دویار		۱۱	۵/۳	۳	۱/۳	۱۴	۳/۲
هرگز		۱۹۰	۹۰/۹	۲۲۵	۹۷/۰	۴۱۵	۹۴/۱
جمع		۲۰۹	۱۰۰	۲۳۲	۱۰۰	۴۴۱	۱۰۰

مطابق با داده‌های جدول فوق حدود ۹۴ درصد از پاسخ‌گویان مواد (مخدر) مصرف نکرده‌اند. این در صورتی است که ۹۷ درصد از دختران و ۹۰/۹ درصد از پسران در این وضعیت قرار گرفته‌اند. افزون بر آن، ۲/۹ درصد از پسران در طول یک‌سال گذشته بیشتر از ۶ بار مواد (مخدر) مصرف کرده‌اند، در حالی‌که تنها ۰/۹ درصد از دختران چنین میزانی از این رفتار را گزارش کرده‌اند. به‌طور کلی، بر اساس این داده‌ها مشاهده می‌شود که میزان مصرف مواد (مخدر) پسران، سه برابر دختران بوده است.

۶-۱-۲. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان مصرف مشروبات الکلی

برای سنجش این بعد، پاسخ‌گویان در برابر سوال «در طول سال گذشته، مشروبات الکلی استفاده کرده‌ام» قرار گرفته و تعداد دفعات مصرف خویش را گزارش کرده‌اند. جدول (۳)، توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان مصرف مشروبات الکلی را به نمایش گذاشته است.

جدول شماره ۳. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان مصرف مشروبات الکلی

جنس		پسر		دختر		جمع
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
میزان مصرف مشروبات الکلی		۱۶	۷/۷	۳	۱/۳	۱۹
۱۰ بار و بیشتر		۶	۲/۹	۲	۰/۹	۸
۶-۹ بار		۱۳	۶/۲	۸	۳/۴	۲۱
۳-۵ بار		۲۴	۱۱/۵	۶	۲/۶	۳۰
یکی دوبار		۱۵۰	۷۱/۸	۲۱۳	۹۱/۸	۳۶۳
هرگز		۲۰۹	۱۰۰	۲۳۲	۱۰۰	۴۴۱
جمع						۱۰۰

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهند که حدود چهار پنجم از دانشجویان تا زمان تحقیق حاضر مشروبات الکلی مصرف نکرده‌اند. بر اساس جدول مذکور، حدود ۲۸ درصد از پسران و ۸ درصد از دختران حداقل یک‌بار تجربه مصرف مشروبات الکلی را داشته‌اند. نکته جالب توجه اینکه، در حالی که ۱۰/۶ درصد پسران ۶ بار و بیشتر این رفتار را انجام داده‌اند، فقط ۲/۲ درصد دختران چنین میزانی از این رفتار را گزارش کرده‌اند. از دیگر موارد جالب این جدول اینکه پسران سه و نیم برابر بیش‌تر از دختران، مشروبات الکلی مصرف کرده‌اند.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳-۱-۶. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب تعداد دفعات رابطه‌ی جنسی با جنس مخالف (بدون ازدواج)

جدول شماره ۴. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب تعداد دفعات رابطه‌ی جنسی با جنس مخالف (بدون ازدواج)

جنس		پسر		دختر		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
تعداد دفعات رابطه‌ی جنسی با جنس مخالف (بدون ازدواج)							
۱۰ بار و بیشتر		۱۶	۷/۷	۳	۱/۳	۱۹	۴/۳
۶-۹ بار		۲	۱/۰	۱	۰/۴	۳	۰/۷
۳-۵ بار		۷	۳/۳	۱	۰/۴	۸	۱/۸
یکی دوبار		۱۸	۸/۶	۱۴	۶/۰	۳۲	۷/۳
هرگز		۱۶۶	۷۹/۴	۲۱۳	۹۱/۸	۳۷۹	۸۵/۹
جمع		۲۰۹	۱۰۰	۲۳۲	۱۰۰	۴۴۱	۱۰۰

در این تحقیق، برای سنجش این بعد از رفتارهای انحرافی پاسخ‌گویان در برابر گویه «تا به حال، پیش آمده که چند بار (بدون ازدواج) رابطه‌ی جنسی با جنس مخالف خود داشته باشم» قرار گرفته‌اند. پاسخ‌گویان جواب‌های خود را به صورت فاصله‌ای و بر حسب دفعات مشارکت در این رفتار ذکر کرده‌اند. از این‌رو، سنجش این متغیر به صورت فاصله‌ای صورت گرفته است؛ اما برای سهولت در فهم آن به متغیر ترتیبی تبدیل شده است. داده‌های جدول فوق مبین آن هستند که نزدیک به ۸۶ درصد از دانشجویان هیچ‌گونه رابطه‌ی جنسی بدون ازدواج با جنس مخالف خود نداشته‌اند. این در حالی است که این مقدار برای دختران حدود ۹۲ درصد و برای پسران نزدیک به ۷۹ درصد است. بدین معنا که، نزدیک به ۲۱ درصد از پسران و ۸ درصد از دختران حداقل تجربه یک‌بار رابطه جنسی با جنس مخالف‌شان (بدون ازدواج) را داشته‌اند. در این میان، ۸/۷ درصد از پسران و ۱/۷ درصد از دختران حداقل ۶ بار و بیشتر این رفتار را انجام داده‌اند.

۴-۱-۶. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان رفتارهای انحرافی

در این تحقیق، برای ساختن متغیر رفتارهای انحرافی، ابتدا ابعاد پنج‌گانه این مقیاس هم‌ارز شده و پس از ترکیب شدن، رتبه‌بندی شده‌اند. در جدول شماره ۵ توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان رفتارهای انحرافی ارائه شده است.

جدول شماره ۵. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان رفتارهای انحرافی

میزان رفتارهای انحرافی		پسر		دختر		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کم		۱۶۶	۷۹/۴	۲۱۹	۹۴/۴	۳۸۵	۸۷/۳
متوسط		۳۹	۱۸/۷	۹	۳/۹	۴۸	۱۰/۹
زیاد		۴	۱/۹	۴	۱/۷	۸	۱/۸
جمع		۲۰۹	۱۰۰	۲۳۲	۱۰۰	۴۴۱	۱۰۰

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، جدول فوق میزان رفتارهای انحرافی را بر اساس سه دسته: پایین، متوسط و زیاد نشان می‌دهد. به‌طور کلی می‌توان گفت ۸۷/۳ درصد (۳۸۵ نفر) از پاسخ‌گویان، مرتکب رفتارهای انحرافی کمی شده‌اند، در مقابل ۱/۸ درصد (۸ نفر) از پاسخ‌گویان در حد قوی رفتارهای انحرافی قرار گرفته‌اند. هم‌چنین ۱۰/۹ درصد (۴۸ نفر) از پاسخ‌گویان در حد متوسط، چنین رفتاری جای دارند. مقایسه داده‌های تفکیک شده جنسی این جدول نشان می‌دهد، در حالی که نزدیک به ۷۹ درصد از پسران در حوزه میزان رفتارهای انحرافی کم قرار دارند، حدود ۹۴ درصد از دختران در این حوزه واقع شده‌اند. هم‌چنین، ۱۸/۷ درصد از پسران و ۳/۹ درصد از دختران در حد متوسط رفتارهای انحرافی جای گرفته‌اند. این یافته‌ها به‌خوبی بیان می‌دارد که پسران بیشتر از دختران در رفتارهای انحرافی مشارکت کرده‌اند.

۶-۲. تحلیل داده‌ها

۶-۲-۱. تحلیل رگرسیون چندگانه برای تبیین ابعاد رفتارهای انحرافی

هدف از تحلیل رگرسیون این است، که تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش‌بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین کند (کلانتری، ۱۳۸۵: ۱۶۹). در این تحقیق برای تعیین اثر متغیرهای مستقل از روش رگرسیون چند متغیره جبری (هم‌زمان) استفاده شده است که در آن تمامی متغیرهای مستقل تحقیق (شامل پیوستگی، خود-کنترلی، نیاز منفعت‌گرایانه، هیجانات/کنجکاوی، فرصت، مجازات رسمی، مجازات غیر رسمی، باورهای اخلاقی و سرمایه‌گذاری) به‌طور هم‌زمان وارد معادله می‌شوند. بر اساس نتایج حاصله، می‌توان گفت: چهار متغیر هیجانات/کنجکاوی، فرصت، خود-کنترلی و سرمایه‌گذاری به‌طور هم‌زمان، بیش‌ترین تغییرات متغیر وابسته را در بعد کجروی‌های جنسی با ضریب تبیین نزدیک به ۴۳ درصد، پیش‌بینی کرده‌اند. هم‌چنین،

متغیرهای هیجانات/کنجکاوی و باورهای اخلاقی کمترین تبیین را برای تغییرات متغیر وابسته در بعد مصرف مشروبات الکلی با ضریب تعیین ۲۲ درصد انجام داده‌اند.

جدول شماره ۶: آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه برای تبیین ابعاد رفتارهای انحرافی

ابعد متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	مقدار F	Sig	B	Beta	T	Sig
تقلب	نیاز منفعت-گرایانه	۰/۵۷۸	۰/۳۳۴	۳۴/۰۳۲	/۰۰۰	۰/۴۴۰	۰/۴۳۵	۸/۸۰۴	۰/۰۰۰
	فرصت					۰/۰۹۶	۰/۱۵۶	۲/۷۲۷	۰/۰۰۷
	باورهای اخلاقی					۰/۲۰۵	۰/۱۵۰	-۳/۲۱۷	۰/۰۰۱
	هیجانات/کنجکاوی					۰/۱۷۴	۰/۱۲۱	-۲/۲۳۳	۰/۰۲۶
	سرمایه‌گذاری					۰/۱۳۱	۰/۱۰۷	-۲/۵۰۳	۰/۰۱۳
دزدی	نیاز منفعت-گرایانه	۰/۵۲۳	۰/۲۷۴	۱۸/۰۳۸	۰/۰۰۰	۰/۰۸۶	۰/۳۴۷	۴/۷۹۲	۰/۰۰۰
	هیجانات/کنجکاوی					۰/۱۰۶	۰/۲۱۴	۳/۷۹۲	۰/۰۰۰
	فرصت					۰/۰۳۱	۰/۱۴۵	۲/۴۳۹	۰/۰۱۵
	باورهای اخلاقی					۰/۰۴۵	۰/۰۹۶	-۱/۹۷۰	۰/۰۵۰
مصرف مواد مخدر	هیجانات/کنجکاوی	۰/۵۵۰	۰/۳۰۲	۲۰/۷۶۹	۰/۰۰۰	۰/۱۹۷	۰/۴۰۲	۷/۲۷۷	۰/۰۰۰
مصرف مشروبات الکلی	هیجانات/کنجکاوی	۰/۴۷۳	۰/۲۲۴	۱۳/۸۳۳	۰/۰۰۰	۰/۰۶۸	۰/۳۶۲	۶/۲۱۰	۰/۰۰۰
	باورهای اخلاقی					۰/۰۲۹	۰/۱۶۳	-۳/۲۵۱	۰/۰۰۱
کجروی‌های جنسی	هیجانات/کنجکاوی	۰/۶۵۳	۰/۴۲۶	۳۵/۵۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۵۴	۰/۴۲۶	۸/۴۹۴	۰/۰۰۰
	فرصت					۰/۰۳۴	۰/۱۳۶	۲/۵۷۰	۰/۰۱۰
	خود-کنترلی					۰/۰۲۶	۰/۱۱۸	-۲/۷۷۶	۰/۰۰۶
	سرمایه‌گذاری					۰/۰۵۵	۰/۱۰۸	۲/۷۳۴	۰/۰۰۷

۲-۲-۶. تحلیل رگرسیون چندگانه برای تبیین رفتارهای انحرافی

داده‌های جدول ۷، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای تبیین رفتارهای انحرافی بر اساس روش جبری را به نمایش گذاشته است. بر اساس جدول مذکور، ضریب همبستگی چندگانه^۱ معادل ۷۲ محاسبه شده که مبین این مطلب است که از بین متغیرهای انتخاب عقلانی، چهار متغیر باورهای اخلاقی، فرصت، نیاز منفعت‌گرایانه و هیجانات/کنجکاوی به‌طور هم‌زمان با رفتارهای انحرافی ارتباط و همبستگی دارند. ضریب تعیین^۲ معادل ۵۲ محاسبه شده است، یعنی ۵۲ درصد از تغییرات رفتارهای انحرافی از طریق متغیرهای چهارگانه مذکور توضیح داده می‌شود. باقی مانده تغییرات متعلق به عوامل دیگری است که خارج از دامنه متغیرهای انتخاب‌های عقلانی هستند. در میان عوامل معنادار تبیین‌کننده رفتارهای انحرافی، متغیر نیاز منفعت‌گرایانه با ضریب بتای ۳۴ درصد و متغیر باورهای اخلاقی با ضریب بتای ۱۶/۰- درصد، به‌ترتیب قوی‌ترین و ضعیف‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده متغیر وابسته بوده است.

جدول شماره ۷. آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه برای تبیین رفتارهای انحرافی

متغیر	B	Beta	T	Sig
پیوستگی	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۱۲	۰/۹۰۵
خود-کنترلی	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۹	-۰/۹۹	۰/۳۲۰
مجازات رسمی	۰/۰۳۱	۰/۰۲۰	۰/۵۵	۰/۵۸۰
باورهای اخلاقی	-۰/۳۵۵	-۰/۱۶۳	-۴/۱۲	۰/۰۰۰
فرصت	۰/۱۷۹	۰/۱۸۳	۳/۷۸	۰/۰۰۰
سرمایه‌گذاری	-۰/۰۶۲	-۰/۰۳۲	-۰/۸۸	-۰/۳۷۸
مجازات غیر رسمی	-۰/۰۴۴	-۰/۰۵۵	-۱/۳۳	۰/۱۸۳
نیاز منفعت‌گرایانه	۰/۵۴۴	۰/۳۳۸	۸/۰۷	۰/۰۰۰
هیجانات/کنجکاوی	۰/۴۵۰	۰/۱۹۶	۴/۲۷	۰/۰۰۰

$$R = ۰/۷۲۲ \quad R^2 = ۰/۵۲۱ \quad \text{Sig} = ۰/۰۰۰ \quad F = ۵۲/۱$$

خلاصه و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه بررسی تاثیر چهارچوب‌های تصمیم‌گیری عقلانی بر مشارکت دانشجویان دانشگاه ارومیه در رفتارهای انحرافی بوده است. بدین منظور متغیرهای نظریه انتخاب عقلانی با استفاده از معادله رگرسیون چندگانه در رابطه با متغیر رفتارهای انحرافی گذاشته شد. نتایج نشان داد که از میان

^۱ . Multiple R

^۲ . R Square

نه متغیر مستقل تحقیق، چهار متغیر نیازهای منفعت‌گرایانه، فرصت، هیجانات/کنجکاوی و باورهای اخلاقی به‌طور هم‌زمان می‌تواند ۵۲ درصد از تغییرات مشارکت در رفتارهای انحرافی را تبیین کند. افزون بر آن، متغیر نیازهای منفعت‌گرایانه (۰/۳۴) قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده این گونه از رفتارها بوده است.

فرضیه‌ای که رابطه مستقیم و معنی‌دار بین فرصت انحرافی و رفتارهای انحرافی را مطرح کرده است، تایید شده است. بدین معنی که هر چقدر میزان فرصت‌های انحرافی پاسخ‌گویان افزایش پیدا کند، میزان رفتارهای انحرافی نیز افزایش می‌یابد. این یافته مطابق با نتایج تحقیقات نی‌گین و پاترنوستر (۱۹۹۳) و سیپل و ایفلر (۲۰۱۰) بوده است. مطابق با تئوری انتخاب عقلانی، جرم فقط به‌خاطر وجود یک مجرم انگیزه شده برای جرم، رخ نمی‌دهد، بلکه باید فرصتی برای ارتکاب جرم، وجود داشته باشد (واک‌لیت، ۲۰۰۳: ۳۹). به عبارت دیگر، رویکرد انتخاب عقلانی عنوان می‌کند که افراد بزهکاری را به دلایل ذیل انجام می‌دهند: (۱) اینان در طول دوره‌ی فعالیت‌های عادی‌شان، با موقعیت‌هایی که رفتار بزهکارانه را پرمنفعت می‌سازد، روبرو می‌شوند، یا (۲) اینان به‌طور محاسبه شده‌ای، در جستجو یا در پی ایجاد موقعیتی هستند که رفتار بزهکارانه، منفعی را در پی دارد. در این وجهه از تبیین تئوری انتخاب عقلانی، موقعیت بزهکارانه‌ای سودمند است که افراد را به سوی رفتارهای انحرافی هدایت می‌کند (اگنیو، ۱۹۹۰: ۲۷۵). علاوه بر آن، این نظریه اذعان می‌دارد که مجرمان بالقوه، "مجموعه‌ای از فرصت‌های" (کورنیش و کلارک، ۱۹۸۷: ۹۳۳)، هم قانونی و هم غیرقانونی‌ای که در پیش‌رو دارند، را قبل از ارتکاب جرم ارزیابی می‌کنند (پاترنوستر، ۱۹۸۹: ۱۸). که هر چه بر میزان فرصت‌های در پیش‌رو و منافع حاصل از آن افراد افزوده شود، احتمال زیادی دارد که این افراد به انجام رفتارهای انحرافی گرایش پیدا کنند.

هم‌چنین فرضیه‌ای که مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار و مستقیم میان نیازهای منفعت‌گرایانه و رفتارهای انحرافی بوده، نیز تایید شده است. بدین معنی که با افزایش نیازهای منفعت‌طلبانه به رفتارهای انحرافی، این رفتارها نیز افزایش پیدا می‌کند. این یافته در راستای تحقیقات اگنیو (۱۹۹۰)، ارنست (۲۰۰۳)، سیپل و ایفلر (۲۰۱۰)، بیکر و پی‌کیورو (۲۰۱۰)، بوده است. مطابق با نظریه انتخاب عقلانی، منحرفان اجتماعی رفتارهای‌شان را بر پایه اصل سود مورد انتظار ذهنی انجام می‌دهند (کلارک، ۱۹۹۵؛ کلارک و کورنیش، ۱۹۸۵؛ کورنیش و کلارک، ۱۹۸۶). اصل سود مورد انتظار ذهنی عنوان می‌کند که افراد تصمیم‌های عقلانی‌شان را بر مبنای دامنه‌ای از انتخاب‌ها و به‌منظور بیشینه‌سازی منافع و کاهش ضررهای‌شان، انجام می‌دهند. طبق این نظریه، افراد در یک موقعیت مناسب که منافع حاصل از جرم بیشتر از هزینه‌های آن باشد، تمایل بیشتری برای شرکت در رفتار انحرافی پیدا خواهند کرد. بدین ترتیب یک مجرم، زمانی به‌عنوان مجرم معقول و منطقی نگریسته می‌شود که بعد از سنجش فواید و

زیان‌های عملش، مرتکب جرم شود. (کورنیش و کلارک، ۱۹۸۶: ۱). تایید این فرضیه می‌تواند حاکی از آن باشد که در نظر دانشجویان هزینه و ضررهای رفتارهای انحرافی یا کم‌تر از منافع حاصل از آن بوده و یا هزینه‌های رفتار انحرافی آن‌قدر دراز مدت بوده که ارزش عدم انجام این گونه از رفتارها را نداشته است.

یافته‌های تحقیق وجود ارتباط مستقیم و معنادار بین هیجانات/کنجکاوی و رفتارهای انحرافی را تایید کرده است. بدین صورت که با افزایش هیجانات/کنجکاوی حاصل از رفتارهای انحرافی، این گونه رفتارها افزایش می‌یابد. مطالعات انجام شده توسط اگنیو (۱۹۹۰) و ماتسیودا و همکاران (۲۰۰۶) نیز مؤید نتایج این تحقیق است. تئوری انتخاب عقلانی در تبیین رفتارهای منحرفانه، بر منافع حاصل از ارتکاب این گونه رفتارها تاکید دارد. به عبارتی، منحرفان به وسیله رفتار منحرفانه‌شان، در پی منافع‌شان هستند؛ که فرایندهای تصمیم‌گیری و انتخاب عقلانی را شامل می‌شود و ممکن است که متناسب با شرایط و مقتضیات ناقص باشد. در این رویکرد، منافع انحراف فقط اقتصادی نیستند، بلکه ممکن است اشکال متنوعی نظیر منافع روانی‌ای مانند سرگرمی/تفریح و هیجانات را نیز در برگیرد (اگنیو، ۱۹۹۰: ۲۷۴). کسب احترام دیگران، ارضاء نفس، لذت طلبی، تفریح و شادی از جمله انگیزه‌هایی هستند که منحرفان اجتماعی به علت لذاذ آنها، به این گونه رفتارها گرایش پیدا می‌کنند. هم‌چنین مطالعات انتخاب عقلانی (نی‌گین و پاترنوستر، ۱۹۹۳؛ پیلیاوین و همکاران، ۱۹۸۶) نشان داده‌اند که هیجانات رفتارهای پرخطر، یک عامل انگیزه‌ای قوی در ارتکاب جرم است، زیرا بعضی افراد، جذب لذت این گونه رفتارها می‌شوند (کاتز، ۱۹۸۸). بدین معنی که برخی از رفتارهای انحرافی به وسیله تأثیر بر منابع اجتماعی و عصبی-زیستی فرد، موجب فراهم آوردن شرایطی از قبیل: از بین رفتن افسردگی و اضطراب، دسترسی به شادی‌های زودگذر، ایجاد تفریح و سرگرمی و کسب احترام همالان برای وی می‌شود که به نوبه خود باعث افزایش لذت‌های ناشی از انجام این رفتارها در مقابل هزینه‌های کوتاه و بلند مدت اجتماعی، اقتصادی، زیستی می‌شود.

در نهایت، فرضیه‌ای که رابطه معکوس و معنی‌دار بین باورهای اخلاقی پاسخ‌گویان و رفتارهای انحرافی آنان را مطرح کرده است، نیز تایید شده است. به عبارت دیگر، با تضعیف باورهای اخلاقی پاسخ‌گویان بر میزان رفتارهای انحرافی آنان افزوده شده است. این یافته در راستای تحقیقات بکمن و همکاران (۱۹۹۲)، پاترنوستر و سیمپسون (۱۹۹۶) و ماسون و مونک‌ترنر (۲۰۱۰) و مهلکوپ و گراف (۲۰۱۰) است. باور، میزان اعتباری است که فرد برای برای معیارهای جامعه و گروه قایل است. به نظر می‌رسد باورهای اخلاقی، به مثابه نوعی تسهیل‌کننده رفتاری می‌باشند، باورهای اخلاقی ضد - هنجاری، راه را برای ارتکاب جرایم باز می‌گذارند، در حالی که باورهای اخلاقی مطابق با هنجارهای اجتماعی، به عنوان نوعی محدودیت در ارتکاب جرایم عمل می‌کنند، چرا که هزینه‌های رفتارهای انحرافی را بالا می‌برند.

بنابراین، درجه بالایی از درونی کردن هنجارها و باورهای اخلاقی، اثر منفعت تصمیم به جرم را کاهش می‌دهد (مهلکوپ و گراف، ۲۰۱۰: ۱۹۸). این مطابق با بیش‌تر پژوهش‌های انتخاب عقلانی است که ادعا دارند که باورهای اخلاقی هنجارمند، انگیزه جرم را کاهش می‌دهد (تیبس، ۱۹۹۷: ۲۳۷).

منابع

۱. افراسیابی فر، اردشیر و دیگران (۱۳۷۷) "بررسی میزان گرایش به استعمال سیگار و علل مرتبط به آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز" پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
۲. بیرو، آلن (۱۳۷۰) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کیهان.
۳. جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷) "رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی: مقدمه بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی برنامه‌ریزی شده". راهبرد فرهنگ، شماره ۳، ۶۴-۳۳.
۴. دواس، دی. ای (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
۵. رضوانیان، الهام (۱۳۷۸) "بررسی الگوهای اجتماعی مصرف مواد در دانشجویان دختر دانشکده‌های دانشگاه تهران" پایان‌نامه دکترا، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده پزشکی.
۶. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: موسسه کیهان.
۷. سراج‌زاده، سید حسین؛ پویافر، محمدرضا (۱۳۸۸) "دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس آثومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان". مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱۶، شماره ۶۳، ۷۱-۱۰۵.
۸. سراج‌زاده، سیدحسین؛ بابایی، مینا (۱۳۸۸) "نقض هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی و دلالت‌های مقاومتی آن: بررسی نمونه ای از دانشجویان". نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۳۶، ۱۷۸-۱۵۳.
۹. سراج‌زاده، سیدحسین؛ جواهری، فاطمه (۱۳۸۲) "نگرش‌ها، آگاهی‌ها و رفتار دانشجویان دانشگاه‌های دولتی" تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۰. سراج‌زاده، سیدحسین؛ فیضی، ایرج (۱۳۸۶) "عوامل اجتماعی موثر بر مصرف تریاک و مشروبات الکلی در بین دانشجویان". نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۱، ۱۰۲-۸۱.
۱۱. شفرز، برنهاد (۱۳۸۳) مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت الله راسخ، تهران: نشر نی.
۱۲. شمس‌علیزاده، نرگس؛ مقدم، مرضیه؛ پوربهزاد، محسن؛ رستمی گوران، نرگس (۱۳۸۷) "شیوع مصرف مواد در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان". مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره ۱۳، شماره ۱۴۸، ۲۶-۱۸.

۱۳. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰) دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش آموز، چاپ اول، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۴. عبدالحی، محمد (۱۳۸۱) اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران: مجموعه مقالات، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: نشر آگاه.
۱۵. علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۸) "اثر بخشی برنامه‌های معتادان گمنام در نگرش معتادان به مواد مخدر". مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۳، شماره ۳، ۱۷۷-۱۴۴.
۱۶. علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی کارتن خوابی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۷. کلاتری، خلیل (۱۳۸۵) پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی، تهران: نشر شریف.
۱۸. مسجدی، محمدرضا؛ آذری‌پور، ماسوله حسن (۱۳۸۱) "بررسی شیوع استعمال دخانیات در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران". مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۲۰، شماره ۴، ۲۸۷-۲۸۳.
۱۹. ممتاز، فریده (۱۳۸۱) انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۰. ویلیامز، فرانک پی؛ مک‌شین، ماری‌لین‌دی (۱۳۸۳) نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر میزان.
21. Agnew, R. (1990) "The Origins of Delinquent Events: An Examination of Offender Accounts". *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 27(3), 267-294.
22. Aliverdinia, A., Pridemore, W. A. (2007) "A first Glimpse at Narcotics Offenders in an Islamic Republic: A Test of an Integrated Model of Drug Involvement among a Sample of Men Incarcerated for Drug Offenses in Iran". *International Criminal Justice Review*, 17(1), 27-44.
23. Baker, T., & Piquero, A. (2010) "Assessing Perceived Benefits- Criminal Offending Relationship". *Journal of Criminal Justice*, 38, 981-987.
24. Beckman, R., & Paternoster, R., & Ward, S. (1992) "The Rationality of Sexual Offending: Testing A Deterrence / Rational Choice Conception of Sexual Assault". *Law & Society Review*, 26(2), 343-372.
25. Bentham, J. (1789) *A Fragment on Government and an Introduction to the Principles of Morals and Legislation*. Oxford: Basil Blackwell.
26. Booth, J. A., & Farrell, A., & Varano, S. P. (2008) "Social Control, Serious Delinquency, and Risky Behavior: A Gendered Analysis". *Crime & Delinquency*, 54(3), 423-456.
27. Carrol, J., & Weaver, F. (1986) *Shoplifters Perceptions of Crime Opportunities: A Process-Tracing Study*. In D. B. Cornish and R. V. Clarke, eds., *The Reasoning Criminal. Rational Choice Perspectives on Offending*. New York: Springer, 19-38.
28. Clarke, R. V. (1995) "Situational Crime Prevention". *Crime and Justice*, 19, 91-150.
29. Clarke, R. V., & Cornish, D. B (1985) "Modeling Offenders Decisions: A Framework for Research and Policy". *Crime and Justice*, 6, 147-185.

30. Clarke, R.V., & Felson, M. (1993) Routine Activity and Rational Choice. Advances in Criminological Theory. Vol. 5. London: Transaction publishers.
31. Colnerud, G., Rosander, M. (2009) "Academic dishonesty, Ethical Norms and Learning". Assessment & Evaluation in Higher Education, 34(5), 505-517.
32. Cornish, D. B., & Clarke, R. V. (1987) "Understanding Crime Displacement: An Application of Rational Choice Theory". Criminology, 25, 933-947.
- _____. (eds). (1986) The Reasoning Criminal: Rational Choice Perspectives on Offending. New York: Springer- Verlag.
33. Davy, J. A., & Et Al (2007) "An Examination of the Role of Attitudinal Characteristics and Motivation on the Cheating Behavior of Business Students". Ethics & Behavior, 17(3), 281-302.
34. Deng, X. (1994) "Toward a More Comprehensive of Crime: An Integrated Model of Self-Control and Rational Choice Theories". P.H.D Thesis, USA: University of New York.
35. Earnest, T. L. (2003) "Deterrence Dynamics and Gender: Extending the Deterrence/Rational Choice Model". P.H.D Thesis, Thesis Director: Peter B. Wood, USA: Mississippi State University.
36. Gottfredson, M. R. , & Hirschi, T. (2003) "Self-Control and Opportunity. In C. Britt & M. Gottfredson (eds.), Control Theories of Crime and Delinquency". New Brunswick, NJ: Transaction, 5-21.
37. Grasmick, H., & Tittle, C. , & Bursick, R., & Arneklev, B. (1993) "Testing the Core Implications of Gottfredson and Hirschi's General Theory of Crime". Journal of Research in Crime and Delinquency, 30, 5-22.
38. Harding, Trevor. S., & et al. (2007) "The Theory of Planned Behavior as a Model of Academic Dishonesty in Engineering and Humanities Undergraduates". Ethics & Behavior, 17(3), 255-279.
39. Higgins, G. E. & Ricketts, M. L. (2004) "Motivation or Opportunity: Which Serves as the Best Mediator in Self-Control Theory?" Western Criminology Review, 5(2), 77-96.
40. Hirschi, T. (1969) Causes of Delinquency. Berkeley: University of California Press.
41. Katz, J. (1988) Seductions of Crime. New York: Basic Books.
42. Klein, H. A., & et al. (2007) "Cheating During the College Years: How do Business School Students Compare?" Business Ethics, 72, 197-206.
43. Lattimore, P., & Witte, A. (1986) Models of Decision Making under Uncertainty: The Criminal Choice, in D. Cornish and R. Clarke (eds.), The Reasoning Criminal: Rational Choice Perspectives on Offending. New York: Springer-Verlag.
44. Li, H., & Zhang, J., & Sarathy, R. (2010) "Understanding Compliance with Internet Use Policy from the Perspective of Rational Choice Theory". Decision Support Systems, (48), 635-645.
45. Lynn, R. M. (2008) Communicating Through Violence: An Application of Rational Choice Theory to Terrorist Claims of Responsibility. M.A Thesis, Thesis Director: Laura, Dugan, USA: The University of Maryland.
46. Mason, A., & Monk- Turner, E. (2010) "Factors Shaping the Decision of College Students to Walk or Drive Under the Influence of Alcohol: A Test of Rational Choice Theory". Drug: Education, Prevention and Policy, 17(5) , 560-572.

47. Matsueda, R. L., & Kreager, D. A., & Huizinga, D. (2006) "Deterring Delinquents: A Rational Choice Model of Theft and Violence". American Sociological Association, 71(1), 95-122.
48. Matthews, S. K., Agnew, R. (2008) "Extending Deterrence Theory: Do Delinquent Peers Condition The Relationship between Perceptions of Getting Caught and Offending?" Journal of Research in Crime and Delinquency, 45(2), 91-118.
49. Megehee, C. M., & Spake, D. F. (2008) "The impact of Perceived Peer Behavior, Probable Detection and Punishment Severity on Student Cheating Behavior". Marketing Education Review, 18(2), 5-19.
50. Mehlkop, G., & Graeff, P. (2010) "Modeling A Rational Choice Theory of Criminal Action: Subjective Expected Utilities, Norms, and Interactions". Rationality and Society, 22(2), 189-222.
51. Nagin, D. S., & Paternoster, R. (1993) "Enduring Individual Differences and Rational Choice Theory of Crime". Law & Society Review, 27(3), 467- 496.
52. Nonis, S. A., & Owens Swift, C. (1998) "Deterring Cheating Behavior in the Marketing Classroom: An Analysis of the Effects of Demographics Attitudes, and In-Class Deterrent Strategies". Marketing Education, 20(3), 188-199.
53. Passow, H. J., & et al. (2006) "Factors Influencing Engineering Students' Decisions to Cheat by Type of Assessment". Research in Higher Education, 47(6), 643-684.
54. Paternoster, R. (1989) "Decision to Participate in and Desist from Type of Common Delinquency: Deterrence and Rational Choice Perspective". Law & Society, 23(1) , 7-40.
55. Paternoster, R., & Simpson, S. (1996) "Sanction Threats and Appeals to Morality: Testing a Rational Choice Model of Corporate Crime". Law & Society Review, 30(3), 549-584.
56. Pilivian, I., & Gartner, R., & Thornton, Craig, & Matsueda, R. L. (1986) "Crime, Deterrence, and Rational Choice". American Sociological Association, 51(1), 101-119.
57. Piquero, N. I., & Gover, A. R., & Macdonald, J. M., & Piquero, A. R. (2005) "The Influence of Delinquent Peers on Delinquency: Does Gender Matter?". Youth & Society, 36(3), 251- 275.
58. Rawwas, M. Y. A., & Al-Khatib, J. A., & Vitell, S. J. (2004) "Academic Dishonesty: A Cross-Cultural Comparison of U.S. and Chinese Marketing Students". Marketing Education, 26(1), 89-100.
59. Regoli, R. M., & Hewitt, J. D. (2000) Delinquency in Society. McGraw: Hill Higher Education Publisher.
60. Seipel, C., & Eifler, S. (2010) "Opportunities, Rational Choice, and Self-Control: On the Interaction of Person and Situation in a General Theory of Crime". Crime & Delinquency, 56(2), 167-197.
61. Siegel, L. J., & Sienna, J. (1997) Juvenile Delinquency: Theory, Practice and Law, sixth edition. USA: West Publishing Company.
62. Siegel, L. J. (1998) Criminology. Sixth edition, USA: Wadsworth Publishing Company.
63. Tibbetts, S. G. (1997) "Shame and Rational Choice in Offending Decisions". Criminal Justice and Behavior, 24(2), 234-255.
64. Tibbetts, S. G., & Myers, D. L. (1999) "Low Self- Control, Rational Choice, and Student Test Cheating". American Journal of Criminal Justice, 23(2), 179-200.

65. Tittle, C. R. (2000) "Theoretical Developments in Criminology". The Nature of Crime: Continuity and Chance, 1, 51-101.
66. Vazsonyi, A. T., & Belliston, L. M. (2007) "Self Control Theory". Criminal Justice and Behavior, 34(4), 505-530.
67. Vazsonyi, A. T., Pickering, L. E., Junger, M., & Hessing, D. (2001) An empirical test of the general theory of crime: A Fournation Comparative.
68. Vito, G. F., & Maahs, J. R., & Holmes, R. M. (2007) Criminology: Theory, Research, and Policy. Canada: Jones and Bartlett Publishers.
69. Walklate, S. (2003) Understanding Criminology: Current Theoretical Debates. Buckingham, Philadelphia: Open University Press.
70. Walsh, A., & Hemmens, C. (2008) Introduction to Criminology: A Text/Reader. USA: Sage Publications.
71. Weitzer, R. (2002) Deviance and Social Control: A Reader. New York: McGraw-Hill Higher Education.
72. Wikstrom, p. O. H., & Butter worth, D. A. (2006) Adolescent Crime: Individual Differences and Life Styles, UK: London, Willan Publishing.
73. Yardley, J., & Domenech Rodríguez, M., & Bates, S. C. (2009) "True Confessions: Alumni's Retrospective Reports on Undergraduate Cheating Behaviors". Ethics & Behavior, 19(1), 1-14.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی